

## گزارش تظاهرات روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان شنبه ۲۵ نوامبر ۲۰۱۷ - بروکسل



روز شنبه ۲۵ نوامبر ۲۰۱۷ - چهارم آذرماه ۱۳۹۶ - مصادف با «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان» هزاران نفر در بروکسل خشمگین و معترض به خیابان‌ها آمدند تا در یک حرکت متحد گامی در راه مبارزه با خشونت بر زنان برداشته و با مبارزات سایر زنان در سراسر جهان اعلام همبستگی نمایند. این حرکت تفاوت بزرگی با مبارزات سال‌های گذشته در بلژیک داشت. در سال‌های گذشته هم‌زمان با روز ۲۵ نوامبر اکثر تشکلات و سازمان‌ها یا با آکسیون‌های کوچک و در ائتلاف‌های محدود به خیابان می‌آمدند و یا نمایشگاه‌ها، جلسات سخنرانی و ... در سالن برگزار می‌کردند اما امسال اکثر سازمان‌های زنان و گروه‌های سیاسی به این نتیجه رسیده بودند که با افزایش غیرقابل‌باور خشونت علیه زنان در سطح جهان حتی در همین یک‌ساله‌ی گذشته و با قدرت گرفتن هرچه بیشتر نیروهای واپس‌گرا و دست راستی در دنیا و عقب‌گرد وسیع حقوق زنان و از بین رفتن دستاوردهای جنبش زنان نیاز به کار مبارزاتی، عملی، گسترده و همبستگی بیشتر وجود دارد. به همین دلیل این تظاهرات از سوی «پلتفرم میرابل»، با شعار محو کلیه‌ی اشکال خشونت بر زنان، برای جلب توجه و آگاهی هر چه بیشتر جامعه به مسأله‌ی خشونت بر زنان و ضرورت مبارزه‌ی عملی با این پدیده‌ی جهانی سازمان‌دهی شده بود. بنا به گفته‌ی سازمان‌دهندگان، بیش از ۱۲۰ نهاد، حزب، سازمان و افراد مختلف با امضای بیانیه‌ی پلتفرم، اعلام حضور کرده بودند. فعالین سازمان زنان هشت مارس در بلژیک نیز به این ائتلاف پیوستند و جز تشکلات سازمان‌دهنده‌ی این تظاهرات بود؛ با این هدف که ضمن همبستگی بیشتر و تقویت صفوف جنبش زنان و پیش گذاشتن افق انقلابی در جنبش جهانی زنان، پلی برای گسترش «کارزار مبارزه با خشونت دولتی، اجتماعی و خانگی بر زنان در ایران» ایجاد کنند.

این تظاهرات روز شنبه از ساعت ۱۴ از ایستگاه شمالی (Nord) در بروکسل آغاز شد و جمعیت با طی مسیری که از قبل تعیین شده بود، حدود ساعت ۱۷ در مرکز شهر بروکسل به تظاهرات پایان دادند. جمعیتی بیش از سه هزار نفر که بنا به ادعای برخی رسانه‌ها تا پنج هزار نفر هم می‌رسید و در مقیاس کشور بلژیک تظاهرات بزرگی محسوب می‌شد. زنان و مردان و کورکان و ... چنان پرشور در این حرکت سهم گرفته بودند که هوای بارانی و سرد بروکسل هم مانع حضور و همبستگی جمعیت با زنان تحت ستم در سراسر جهان نشد.

ما فعالین کارزار مبارزه با خشونت دولتی، اجتماعی و خانگی و نیز فعالین سازمان زنان هشت مارس در کنار رفقای کمیته جوانان بلژیک و سایر دوستان و همراهان بلوک کوچک اما متحد و منسجمی را در این تظاهرات تشکیل داده بودیم. از قبل تصمیم گرفته بودیم که در کنار سایر تشکلات انقلابی مثل «کمپین رزا» و زنان کرد و ترک در یک بلوک متحد حرکت کنیم تا بتوانیم شعارهای رادیکال و انقلابی زنان را در جنبش تقویت نماییم. انرژی، نشاط و رنگارنگی تظاهرات از همان نقطه شروع تظاهرات یعنی ایستگاه قطار شمالی پیدا بود. زنان و البته مردان و کودکان، فردی و یا در دسته‌های کوچک و بزرگ خود را به محل آغاز تظاهرات می‌رساندند و با لبخند و همیاری خود را آماده می‌کردند. قرار بود در این تظاهرات ریسمان سرخ به شکل نمادین به معنای «افزایش خشونت بر زنان تا مرز خطر» تهیه و حمل کنیم بنابراین هر یک از تشکلات تکه‌ای پاره با خود به همراه آورده بود برخی شعارهایی روی این پارچه‌ها نوشته بودند و زنان مشغول متصل کردند این پارچه‌ها به هم و ساختن ریسمان نمادین بودند. تشکلات مختلف بیانیه‌های خود را پخش و بر سر ضرورت این حرکت بحث می‌کردند.

ما هم خودمان را زودتر به محل رسانیم و همراه با تشکلات زنان کرد و ترک تی‌شرت‌های سرخ رنگ‌مان با شعارهای: «اگر یک زن رها نباشد هیچ‌کس رها نخواهد بود!» و «بدون مبارزه‌ی انقلابی زنان هیچ تغییری امکان‌پذیر نیست!» را بر تن کردیم. مردان همراه ما نیز با همبستگی و رضایت بسیار این تی‌شرت‌ها را به تن می‌کردند که مورد تشویق زنان دیگر قرار می‌گرفت. ما به سرعت شعارهایی که تهیه کرده بودیم را در محل آغاز که قرار بود فلش‌موب آغاز برنامه باشد نصب کردیم. شعارهایی که تلاش شده بود موضوع خشونت در ایران را به شکل خاص نشان دهد درحالی‌که رابطه‌ی آن را به جنبش جهانی زنان نشان می‌داد. مثلاً در یک فرم خلاقانه پلاکاردی ساخته بودیم که خشونت‌های قانونی علیه زنان در ایران را برجسته کرده بود:

«در ایران زنان آزادی پوشش ندارند!»، «در ایران زنان حق طلاق، حق حضانت، حق سقط جنین ندارند!»، «در ایران خشونت علیه زنان قانونی است!»، «در ایران سنگسار قانونی است!»، «در ایران ازدواج اجباری و ازدواج دختران زیر سن، قانونی است!»، «در ایران قتل ناموسی قانونی است»

در کنار آن پلاکاردهایی مثل: «حجاب اجباری نماد انقیاد و فرودستی زن!»، «خشونت دولتی، اجتماعی و خانگی علیه زنان تهرین اعمال نفوذ مردان بر زنان است!»، «سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!»، «زنان جمهوری اسلامی را با مبارزات خود در خیابان سرنگون خواهند کرد!»، «اولین گام رهایی زنان خاورمیانه جدایی دین از دولت است!»، «با یکدیگر به خشونت علیه زنان خاتمه خواهیم داد!» ...

در کنار آن پلاکارد اصلی بلوک ما «زنان در مقابل دو واپس‌گرای پدرسالار: سرمایه‌داری امپریالیستی و بنیادگرایان مذهبی!» و بنر بزرگ «کارزار مبارزه با خشونت دولتی، اجتماعی و خانگی علیه زنان در ایران» بود.

اما برجسته‌ترین پلاکاردا ما طرح خلاقانه‌ای بود که طرح سکه‌ای بود که یک سمت آن زنی در چادر سیاه و دیگری نمادی از سکسیزم و پورنوگرافی بود که هر دو بدن زن به اشکال مختلف اما در نهایت به ابژه‌ی جنسی فرو می‌کاهند؛ و شعار «کنترل بدن من حق من است، نه هیچ دولت، نه هیچ مذهب و نه هیچ فردی نوشته شده بود!»

زمانی که ما این پلاکاردها را برای فلش‌موب آماده می‌کردیم محتوا و فرم آن مورد توجه بسیاری افراد و رسانه‌ها قرار می‌گرفت و بسیاری از زنان به سراغ ما می‌آمدند درحالی‌که بیانیه ما به شکل صوتی و به زبان فرانسه مرتباً از طریق سیستم صوتی پخش می‌شد. یکی از ابتکارات دیگر ما که کاملاً سیاسی و آگاهانه طراحی شده بود تهیه استیکرهای کوچکی با همان شعار «کنترل بدن من ...» بود چون ما به خوبی می‌دانیم موضوع مرکزی مبارزات زنان در اروپا به موضوع حق سقط جنین و متعاقباً موضوع کنترل بر بدن زنان گره خورده است اما جنبش زنان اروپا از طرح نقش دولت و مذهب خودداری می‌کند، هم به علت ناآشنایی با نقش دولت و مذهب و هم به دلیل تسلط گرایش رفرمیستی در این جنبش. به همین دلیل ما تصمیم گرفتیم از این طریق موضوع نقش مستقیم دولت‌ها و مذهب در کنار نقش رابطه‌ی سلطه‌ی مرد بر زن را طرح کنیم که به شکل باورنکردنی مورد استقبال قرار گرفت و زنان زیادی استیکرها را دسته‌دسته می‌گرفتند و روی لباس‌ها خودشان و کودکانشان و ... می‌چسباندند مردها هم می‌گفتند اگرچه موضوع «کنترل بدن» مردان نیست اما ما هم در همبستگی این استیکرها را خواهیم زد. به این شکل سیاسی مهم در بین افراد به شکل وسیعی پخش شد.

بعد از چند سخنرانی از طرف برخی از تشکلات برگزارکننده و یک نمایش خیابانی و ... همه افراد با شور و انرژی به راه افتادند با پخش موزیک یا اجرای موزیک خیابانی، با شعارها و ... جمعیت حرکت کرد. حضور گسترده مردانی که پرقدردت شعار می‌دادند و همراهی می‌کردند، در کنار زنان چشمگیر بود؛ اما برجسته‌ترین نکته‌ی جمعیتی در تظاهرات حضور وسیع دختران جوان و دانش‌آموز بود که شاید نشانه‌ای از فراگیر شدن استفاده و انتقال آگاهی جنسیتی و سیاسی از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی در بین این قشر از جامعه است. چه بسا این دختران جوان، طعم تلخ خشونت‌ها و تحقیرهای کلامی و روانی را در دنیای مجازی نیز چشیده باشند، چراکه مهر زن شدن را از روزی که به دنیا آمده‌اند، با خود به همراه دارند. به‌رحال حضور این قشر شور و انرژی زیادی به جمع می‌داد. حضور دخترچه‌ها و پسرچه‌هایی که شعارهایی به همراه داشتند یا صرفاً همراه خانواده‌های‌شان بودند، حسی خوبی می‌داد و نشان از این داشت که زنان و خانواده‌های بیشتری تلاش دارند کودکان‌شان را با فضای جنبش آشنا کنند. برخلاف تظاهرات هفته گذشته که دفاع از «بدون برگه‌ها» ترکیب جمعیت عمدتاً اروپایی و سفیدپوست بود، در این تظاهرات زنان از ملیت‌ها و سنین و ... حضور داشتند، زنان بسیار مسن که برخی با عصا و ویلچر در صف بودند، زنان آمریکای لاتینی، زنان شرقی، زنانی از خاورمیانه و حتی زنان محجبه که در تشکلات مختلف متشکل بودند نیز بسیار مبارز و همبسته بودند، مثلاً زنانی که در صف پشت ما حرکت می‌کردند و می‌دیدند آشکارا ما شعارهایی در نقد حجاب و حجاب اجباری داریم و ... اما با شعارهای ما کاملاً همراهی می‌کردند و یکی از آن‌ها به ما گفت من با شما کاملاً در مورد لغو حجاب اجباری موافقم. زنان سیاه‌پوست نیز که خشمگین از کلیشه‌های جنسیتی علیه بدن‌هاشان به جمعیت پیوسته بودند و شعارهایی چون «هی زنان سیاه، شما خیلی وحشی هستین! #زن\_ستیزی\_سیاه»، «من نه وحشی توأم و نه ماده شیر تو!»، «لب‌قلوه‌ای، کون گنده! دنبال این‌ها نیستم! #زن\_سیاه‌پوست». آن‌ها نیز از شعارهای ما استقبال کردند. برخی از شعارهای‌مان را در دست گرفتند و عکس‌هایی تهیه کردند. برخی از زنان سیاه‌پوست عروسک‌های جالبی ساخته بودند و با لباس‌های رنگارنگ و رقص‌های پرحرارت‌شان به جمعیت نشاط می‌دادند. زنان کرد هم با لباس‌های کردی و موزیک و رقص کردی شاخص همیشگی خود را داشتند. برخی زنان اروپایی لباس «ساحره‌ها» را پوشیده بودند و برخی «کلاه‌های صورتی» نماد جنبش آمریکا. زنان سندیکایی به شکل وسیع حاضر بودند با لباس‌ها و شعارهای سندیکا متمایز می‌شدند.

شعارها بسیار متنوع بود. برخی شعارهای فردی و خلاقانه خود را آورده بودند در مخالفت با پدر/ مردسالاری و برخی شعارها و بنه‌های سازمانی. پلاکاردهایی در بین جمعیت به چشم می‌خورد که حاوی آمار و ارقام، میزان خشونت بر زنان در کشور بلژیک و در اروپای «آزاد» بود. اعداد به‌خودی‌خود گویای جهانی بودن خشونت بر زنان حتی در کشورهای سرمایه‌داری بودند؛ اما این تفاوت‌ها کاملاً موردپذیرش بود و شعار مرکزی «همبستگی با تمامی زنان جهان!» بی‌وقفه و به زبان‌های مختلف و توسط همه جمعیت تکرار می‌شد.

گروه ما هم که با آمادگی سیاسی و عملی حاضر بود با سردادن شعارهایی متفاوت، رادیکال و پرشور، به زبان‌های انگلیسی و فرانسه هیجان ویژه‌ای به جمعیت بخشیده بود. ما توانسته بودیم بخشی از جمعیت، پیر، جوان، نوجوان، کودک، بلژیکی و غیربلژیکی را با خود همراه کنیم که بی‌وقفه با ما شعار می‌دادند:

«همبستگی با تمامی زنان دنیا»، «انقلاب، تنها راه حل ممکن»، «مرگ بر مردسالاری»، «بدن من، انتخاب من، آزادی من»، «خیابان از آن کیست؟ از آن ما»، «خشونت علیه زنان بس است!»، «بارداری اجباری بس است!»، «تجاوز بس است!»، «ازدواج کودکان، بس است!»، «ازدواج اجباری بس است!»، «فاشیسم، ناسیونالیسم، سرمایه‌داری، بنیادگرایی مذهبی، راسیسم، مردسالاری و ... را متوقف کنید!»، «تتو فرانکلین، گمشو»، «NVA، گمشو»، «Vlaamse Belang، گمشو»، «ترامپ، مارین لوپن، پوتین، بشار اسد، اردوغان، روحانی، خامنه‌ای و ... گمشو!»، «دولت اسرائیل، گمشو!»، «آیا آماده‌ی مبارزه با سرمایه‌داری واپس‌گرای پدرسالار هستید؟ بله!!!»، «آیا آماده‌ی سرنگون کردن سرمایه‌داری ... هستید؟ بله!!!»، «آیا آماده‌ی انقلاب کردن و تغییر دادن تمام دنیا هستید؟ بله!!!»

از جمله شعارهایی بودند که بخش‌های زیادی از جمعیت را به وجد آورده بود. ما در طول تظاهرات، توانستیم بیانیه‌ی کارزار و نیز بیانیه‌ی سازمان زنان هشت مارس را به شکل گسترده در بین جمعیت پخش کنیم و آن‌ها را دعوت کنیم تا به کارزار ما بپیوندند. پخش استیکرها کماکان ادامه داشت و



حتی به ماشین‌هایی که می‌گذشتند هم استیکر و بیانیه می‌دادیم. در مقابل «پتی شاتو» یکی از مراکز زندگی پناهجویان در بروکسل ما قدری تأمل کردیم و شعارهایی در افشاگری از تخریب امپریالیستی و جنگ و ... و در حمایت از پناهجویان و خصوصاً زنان پناهجو که فرودست‌ترین و بی‌پناه‌ترین زنان هستند دادیم. این حرکت هم مورد توجه جمعیت قرار گرفت و بیش از قبل نزدیک‌مان کرد. ما همچنین زنان و مردان رهگذر و کسانی که از پنجره‌ها تظاهرات را می‌دیدند را به صف مبارزه دعوت می‌کردیم و خیلی از زنان با تکان دادن دست و لبخند زدن تأییدمان می‌کردند. در نقطه پایان تظاهرات ریسمان پارچه‌ای سرخ را که از ابتدا تا انتهای تظاهرات توسط جمعیت حمل شده بود روی درختان آویختیم. جمعیت باوجودی که از طی این مسافت خسته بود اما اکثراً تمایل داشتند که بیشتر در کنار هم بایستند و این همبستگی را ادامه دهند. زنان و مردان در این محل بعد از پایان تظاهرات شروع به صحبت بر سر مواضع سیاسی و برنامه‌های آتی کردند. بازار مصاحبه و ردوبدل کردن شماره تلفن و بیانیه داغ بود و همه از پیشبرد این مبارزه ابراز رضایت می‌کردند. حضور پرشمار جمعیت و افزایش حساسیت‌ها نسبت به مسأله‌ی زنان و حتی رادیکالیزه شدن جنبش و بازگشتش به خیابان و ورود نسل جوانی از فعالین به آن برای همه و برای ما نیز بسیار امیدبخش بود. امید که مبارزات سراسری زنان در کشورهای مختلف جهان، سرآغازی متفاوت و پیروزمندانه را برای جنبش زنان در سرتاسر دنیا رقم زند تا زنجیرهای درهم‌تنیده‌ی خشونت علیه زنان را برای همیشه از هم برکنیم.

### سومین کنگره زنان لهستانی در بروکسل:

عصر روز شنبه، پس از تظاهرات برخی از ما در «سومین کنگره زنان لهستانی در بلژیک» حاضر شدیم. آن‌ها از ما دعوت کرده بودند به‌عنوان فعالین سازمان زنان هشت مارس حاضر شویم. این نشست تمام‌روز جریان داشت و ما و برخی از چهره‌های شناخته‌شده در جنبش زنان از وزیر سابق آموزش و پرورش بلژیک از حزب سوسیالیست تا فعالین دهه‌ی شصت در جنبش حق سقط‌جنین در بلژیک و زنان سازمان دهنده‌ی «دوشنبه‌ی سیاه» در لهستان و زنان «لایت فور رایتز» از آمریکا و ... قرار بود در پنل آخر (بخش بین‌المللی) صحبت کوتاهی داشته باشیم. در این پنل: «ارتباطات لهستانی - اعتراض سیاه: مبارزه برای حق سقط‌جنین و مسائل جدید همبستگی زنان در زمینه‌ی جهان فعلی» هر یک از شرکت‌کنندگان از منظری به موضوع پرداخت از دیدگاه‌های فمینیسم بورژوازی و راه‌حل‌های پارلمانی گرفته تا تشویق زنان به ماندن در خیابان و مبارزه‌ی منسجم و جدی و ... اما حقیقتی که هرکدام به شکلی بیان کردند این بود که در دهه‌ی شصت که در بلژیک جنبش زنان تازه شروع به فعالیت جدی برای حق سقط‌جنین کرد زنان در لهستان (تحت حکومت به‌اصطلاح کمونیستی) حق سقط‌جنین داشتند. در بلژیک پس از مبارزات جدی سال ۱۹۹۰ از سقط‌جنین جرم‌زدایی شد (ولی هنوز به شکل حق درنیامده است) اما سوال برخی از فعالین این بود که چطور حکومت «دمکراسی» (که منظورشان دمکراسی بورژوازی بود) منجر به از بین رفتن حق سقط‌جنین زنان شد؟!

ما هم در این پنل سعی کردیم در حد توان و زمان‌مان به شکل کوتاهی سازمان زنان هشت مارس را معرفی کنیم و تفاوت حقوق و شرایط زنان در کشور تئوکراتیکی مثل ایران و اروپا را مشخص کنیم، به این اشاره کردیم که نه‌تنها سقط‌جنین در ایران غیرقانونی است بلکه حکومت زنان را دعوت به فرزندآوری نیز می‌کند و از همه اهرم‌های دولتی و ایدئولوژیکی استفاده می‌کند، مثلاً در دهه‌ی شصت خمینی زنان را دعوت به فرزندآوری می‌کرد تا تبدیل به سربازان وطن شوند و امروز هم همان گفتمان بازگشته است، زنان به شدت دعوت به فرزندآوری می‌شوند و امکان پیش‌گیری از بارداری و ازگتومی و ... بسیار محدود و غیرقانونی شده است. تلاش ما این بود که نشان دهیم موضوع مرکزی و مشترک مبارزاتی ما حق کنترل بر بدن زنان است و ما زنان ایرانی این را خوب می‌فهمیم و حجاب اجباری به شکل آشکاری حلقه‌ی کلیدی تسلط و تثبیت این کنترل در ایران است.

فعالین سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان) - بلژیک

فعالین «کارزار مبارزه با خشونت دولتی، اجتماعی و خانگی بر زنان در ایران» - بلژیک

۲۶ نوامبر ۲۰۱۷

























